

بررسی فقهی جایگاه اقتصاد شراکتی در توزیع درآمد بین عوامل تولید

Juridical Evaluation of the Share Economy in Revenue Distribution Among the Production Factors

Mohammad Reza Armanmehr*

محمد رضا آرمان مهر*

Received:13/May/2013

Accepted:5/Sep/2014

پذیرش:۹۳/۶/۱۴

دریافت:۹۲/۲/۲۳

چکیده:

Abstract:

Share economy (share working in the firm's profits) due to important impact on efficiency, and its equity oriented aspect, can serve as a new economic approach for communities to be used. In this study, data collected in libraries and documents using content analysis and support the Principles of Islamic Jurisprudence are analyzed. Jurisprudence principles of share economy that is a methodological in the share economy debate are evaluated from four perspectives: the Qur'an, the Prophet (PBUH), hadith and fiqh rules (like the rule of justice, rule Lazar, etc.). The research hypothesis is that due to the many benefits associated with share economy, the economic system of Islam, based on profit sharing model which pay a fixed rent and priority, takes precedence.

اقتصاد شراکتی با توجه به تأثیر شگرف بر کارایی و جنبه عدالت‌مدارانه‌ای که دارد، می‌تواند به عنوان یک رویکرد اقتصادی جدید برای جوامع مختلف به کار گرفته شود. در این تحقیق، اطلاعات گردآوری شده به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی، با روش تحلیل محتوایی و با پشتوانه مبانی فقه اسلامی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. مبانی فقهی اقتصاد شراکتی که به نوعی روش‌شناسی بحث اقتصاد شراکتی می‌باشد، از چهار منظر قرآن، سیره پیامبر (ص)، روایات و قواعد فقهی (مانند قاعده عدالت، قاعده لاضرار و...) مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه پژوهش این است که با توجه به ثمرات فراوانی که بر اقتصاد شراکتی مترتب است، در نظام اقتصادی اسلام، روش مبتنی بر تسهیم سود بر مدل اجاره نیروی کار که پرداخت دستمزد ثابت است، اولویت و برتری دارد.

Keywords: share economy, labor, capital, firm, Jurisprudence

JEL Categories: K42, Z12,D31

واژگان کلیدی: اقتصاد شراکتی، نیروی کار، سرمایه، بنگاه، فقه

طبقه بندی JEL: K42, Z12,D31

*. Assistant professor, Shahrood University.
E-Mail: arman1212002@gmail.com

*. استادیار، دانشگاه شاهرود.

۱. مقدمه

در نظام پرداخت شراکتی، نیروی کار به جای گرفتن دستمزد ثابت، کل یا بخشی از دستمزد را بر اساس توافق با کارفرما، به صورت شراکت در سود دریافت می‌دارد. در این صورت، در پایان هر دوره مالی، سود به دست آمده برحسب نسبت‌هایی که در قرارداد توافق شده بین صاحب سرمایه و کارگر تقسیم می‌شود؛ به عبارت دیگر، در نظام شراکتی، میزان پرداخت حق‌الزحمه به کارکنان به طور مستقیم و خودکار از طریق یک شاخص، مثل سود سرانه شرکت که نمایانگر سلامت اقتصادی شرکت است، تعدیل می‌گردد. در نظام معمولی دستمزد، حقوق کارکنان مستقیماً به چنین شاخصی مرتبط نیست و برحسب پول رایج پرداخت می‌شود. در اسلام، به مشارکت به معنای اعم و مشارکت نیروی کار در سود به معنای خاص، اهمیت زیادی داده شده است، طوری که می‌توان نظام اقتصادی اسلام را یک سیستم شراکتی وسیع دانست.

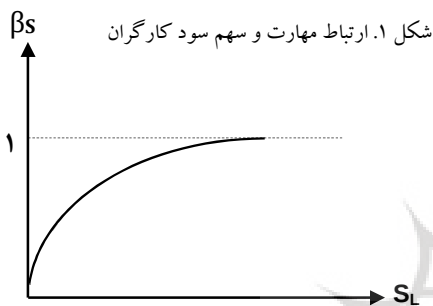
برخی از اقتصاددانان، به ارائه نظراتی درباره اقتصاد شراکتی در اسلام پرداخته‌اند. توتونچیان، پس از بررسی مدل شراکتی ویتزمن در اقتصاد سرمایه‌داری^{۳۴}، جهت غلبه بر کاستی‌های مدل او، مدلی را پیشنهاد می‌دهد که تأکیدش بر نقش مهم نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر است. در مدل پیشنهادی وی، افزایش درآمد کارگران ماهر و نیمه‌ماهر، به دلیل مشارکت در سود این انگیزه را برای کارگران غیرماهر ایجاد می‌کند تا تجربه و مهارت خود را افزایش داده و به سطوح بالاتر ارتقا یابند که این

مکانیسم به صورت خودکار عمل می‌نماید. مدل نهایی وی بر پایه عدالت و ملاحظات جانبی به صورت زیر است:

$$W_s = \bar{W} + b_s \cdot \Pi$$

$$S = 0, 0.1, 0.2, \dots, 1$$

$$S = 0 \Rightarrow \beta_s = 0$$



$$\beta_s = F(S_L)$$

S_L = سطح مهارت

π = سود

w_s = دستمزد کارگر طبق درجه مهارت او

مطابق نمودار (۱)، هرچه میزان مهارت بیشتر باشد،

سهم کارگر در سود حاصله β_s بیشتر خواهد بود، این موضوع انگیزه‌ای برای کارگران در ارتقای مهارت خود و در نتیجه، افزایش بهره‌وری بنگاه است. (توتونچیان^{۳۵}: ۱۹۹۸: ۶۸). بخشایش (۱۳۸۲) نیز، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، شاخصی برای عادلانه‌شدن سهم نیروی کار، بر اقتصاد شراکتی ارائه نمود. به نظر می‌رسد برای عادلانه نمودن مدل‌های بازار

و بهینه گشت. اقتصاد اثباتی با عدم تعاون به دنبال تعادل است، در حالی که می‌توان با وجود تعاون و همکاری به دنبال نقطه تعادلی بهینه بحث عدالت بود (Brosio and hochman, 1998). اهمیت این پژوهش به روش‌شناسی اقتصاد شراکتی و نقش همکاری و تعاون معطوف است.

35. Toutounchian

^{۳۴}. ویتزمن، الگوی شراکتی ارائه می‌دهد که یک تقلید یا بازآفرینی از مدل ژاپنی شراکتی به قلم او است. در مدل او هیچ معیاری برای انتخاب مشارکت در سود یا درآمد وجود ندارد و کارایی مدل مبهم است (weitzman, 1984). برخی پژوهش‌ها به این نتیجه نهایی رسیده است که تعاون، پیش نیاز عدالت اقتصادی است. بحث بنیادی این است که باید در داخل بهینه‌ها و با وجود مشارکت و تعاون در پی تعادل بود، نه این که در تعادل به دنبال حالت تعاون

و کارگران زیاد در نظر گرفته شده است. در این بنگاه ابزار تولید در مالکیت صاحبان سهام بوده و مدیر استخدام می‌شود. فرض دیگر این است که اقتصاد شراکتی ثمرات فردی و جمعی زیادی (مانند افزایش اشتغال و تولید) دارد که این مطلب در کتب و مقالات دیگر ثابت شده است.^{۳۹}

مهم‌ترین مبانی فقهی اقتصاد شراکتی را باید در آیات شریفه قرآن، سیره پیامبر (ص)، روایات و قواعد فقهی جستجو نمود که در زیر بررسی می‌شود.

۱. دیدگاه کلام وحی

درآموزه‌های قرآنی، تأکیدات زیادی بر همکاری و تعاون به معنای عام وجود دارد. از نظر قرآن، مؤمنان با هم برادرند (حجرات: ۱۰). قرآن در خصوص انفاق، خیریه و صدقه مطالب ارزشمندی دارد. برخی آیات شریفه، انفاق را سبب خیر، پاداش نیکو، رفع غم و اندوه، افزایش نعمت و رحمت و اجر عظیم برای انفاق‌کننده معرفی نموده‌اند (تغابن: ۱۶، بقره: ۲۶۵، بقره: ۲۶۱، نساء: ۱۱۴). تعاون در کارهای نیک فرمان الهی است (مانده: ۲۰). اسلام، ارزش تعاون و کارهای جمعی را تأیید می‌نماید. بر خیرخواهی و شتاب در همکاری و همیاری مؤمنان تأکید دارد. برخی آیات با تأکید بر کار جمعی و گروهی، دعوت به اتحاد دارد: «و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید» (آل

کار، اقتصاد شراکتی اهمیت زیادی دارد. همچنین برخی آثار که در موضوع بانکداری اسلامی نگارش یافته‌است، به اقتصاد شراکتی هم توجه داشته‌است.^{۳۶}

الحق و میراخور^{۳۷} (۱۹۸۷)، در بحث پول و بانکداری، نظریه «صاحب مال - عامل»^{۳۸} را به کار برده‌اند. در نظریه صاحب مال - عامل، یک فرد تمام سرمایه را تأمین می‌کند و فرد دیگر به عنوان مدیر یا عامل، آن را به کار گرفته و سود حاصل را براساس نسبتی که از قبل توافق شده‌است، بین خود تقسیم می‌نمایند. این نظریه با عقد مضاربه هماهنگی کامل دارد و گویی فقط برای این عقد تنظیم شده‌است.

از جمله مفروضات اولیه پژوهش حاضر آن است که جامعه‌ای که بنگاه در آن فعالیت می‌کند، جامعه اسلامی است؛ یعنی افراد اغلب مسلمان‌اند و به آموزه‌ها و احکام اسلام عمل می‌کنند. همچنین ساختار کلان حاکم بر جامعه، ساختاری اسلامی است. بازارها اسلامی‌اند؛ یعنی، مبانی مکتبی همچون حفاظت دولت از مصالح فرد و جامعه، تعاون و رقابت سالم و ممنوعیت ربا بر آن حاکم است. و مهم‌تر این که، بر روابط بازار کار، اصل عدالت حاکم است. فرض دیگر این است که بنگاه به عنوان یک شرکت سهامی عام در بورس اوراق بهادار فعالیت می‌کند؛ یعنی، یک شرکت بزرگ با سرمایه فراوان

و نیروی کار (کارآفرین) است که به صاحب سرمایه اجازه نمی‌دهد تا از نظر اقتصادی انحصار ایجاد کند. سود به‌دست‌آمده بین فراهم‌کننده سرمایه و کارآفرین مطابق با نسبت توافق‌شده تقسیم خواهد شد و سرمایه‌گذار زیان‌ها را اگر اتفاق بیفتد، متحمل می‌شود (Aggarwal and Yousef, 1996: 3-4).

37. Ul-haque and mirakhor

38. Principal – Agent

۳۹. استدلال علمی درباره آثار اقتصاد شراکتی، بر تأثیر الگوی مشارکت بر کاهش تورم، کاهش ریسک، ثبات اقتصادی و گسترش رفاه و عدالت تأکید دارد (دادگر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱-۱۴).

برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (Weitzman, 1984) و (Toutounchian, 1998) و (توتونچیان، ۱۳۷۹).

۳۶. همان‌طور که در بازار نیروی انسانی، تأکید اسلام بر عقود شراکتی است، در بازار سرمایه پولی این تأکید شدیدتر است، طوری که به‌جای تأکید بر عقود PS (شراکت در سود) بر عقود PLS (شراکت در سود و زیان) تأکید شده‌است و اخذ درصد ثابتی به عنوان ربا، در اسلام تحریم شده‌است. اساس اقتصاد اسلامی بر مشارکت (یعنی بازدهی متغیر) نهاده شده‌است، بر اساس روایتی مستند، عقود ثابت نزدیک ربا (نه عین ربا) معرفی شده‌است (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۴۰۷). در فقه اهل سنت نیز دو روش از طرف بانک‌های اسلامی مطرح شده‌است: مضاربه و مشارکت. در مشارکت، کارآفرین و سرمایه‌گذار با هم سرمایه‌گذاری می‌کنند و با هم پروژه را مدیریت می‌کنند. اما مضاربه، آرایش مشارکتی بین سرمایه

عمران: ۱۰۳). به این صورت، قرآن مجید قوانینی وضع نموده است که بر اساس همکاری جمعی بوده و برای کسانی که به این قوانین قرآنی تمسک جویند، پاداش‌های دنیوی و اخروی به صورت مادی و معنوی وعده داده شده است. فقرا در مال ثروتمندان شریک هستند و عدم این شراکت از سوی مؤمنین، نوعی کم توجهی به دستورات خدا و رسول (ص) محسوب می‌شود، از این رو شراکت، پایه‌های مستحکمی در دین مبین اسلام دارد.

اقتصاد اسلامی، بیش از آن که بر رقابت تأکید داشته باشد، بر تعاون و همکاری تأکید دارد. فردگرایی و ملاحظات اجتماعی چنان درهم آمیخته‌اند که اقدام جهت رفاه سایرین، بهترین روش قابل قبول توسعه مطلوبیت فردی و کسب رضای الهی است. تعاون و همکاری با هدف انجام کارهای نیک، دستور الهی است (مائده: ۳). طبق آیه ۶۰ سوره مبارکه رحمن، اگر شخصی جهت احسان و برای دفع ضرر و یا جلب منفعت اقدامی انجام دهد، باید پاداش احسان‌گونه دریافت دارد. همچنین است اگر نیروی کار جهت احسان، ضرری را از بنگاه دفع نماید و یا برای افزایش بهره‌وری آن تلاش نماید. از دیگر سو، به مقتضای آیه ۹۱ سوره توبه، اگر کارگر در ضمن احسان خویش آسیبی وارد نماید، ضامن خسارت نیست، مگر آن که عمل وی از روی سفاکت باشد (به نقل از رضایی، ۱۳۷۷: ۹۲). احسان و تعاون در اقتصاد شراکتی تبلوری جدی می‌یابد، زیرا در سیستم شراکتی منافع کارگر و کارفرما کاملاً در هم تنیده هستند.

شاید بحث مطابق با تعاون و احسان در ادبیات اقتصادی، توجه به آثار جانبی^{۴۰} باشد. اقتصاد اسلامی از تعالیم و قوانینی سرشار است که به وجود و اهمیت آثار

خارجی می‌پردازند. در صورت وجود آثار خارجی، لازم است که به طور جمعی تصمیم‌گیری شود تا افراد راغب شوند و عادت کنند که منافع عموم را به منافع شخصی‌شان ترجیح دهند. مباحث نظریه‌های اولیه اقتصاد سرمایه‌داری، غالباً خالی از بحث آثار خارجی است. بازار رقابت محض با تمام ظرافت و زیبایی ذهنی که دارد، تحت شرایط عدم آثار خارجی محقق می‌گردد. علاوه بر این که بهینه پارتو^{۴۱} در همین شرایط به دست می‌آید.^{۴۲} در حالی که اقتصاد اسلامی سیستمی است که اساس آن در تولید و توزیع و مصرف، با لحاظ نمودن آثار خارجی باید مورد بحث قرارگیرد. اتفاقات و صدقات در بحث توزیع درآمد بین عوامل تولیدی در آثار خارجی (مثبت) ریشه دارد. هدف اقتصاد اسلامی، بر پاداشتن عدل از طریق بیشینه‌سازی آثار خارجی مثبت و کمینه‌سازی آثار خارجی منفی (در چارچوب احکام اسلام) است (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۲۷). به همین دلیل نیاز جدی به تدوین «بهینه اسلامی»، به جای بهینه پارتو احساس می‌شود که آثار خارجی و تعاون را نیز مورد توجه قرارداد (توتونچیان، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۵). این بهینه با دربرگرفتن سایر اعضای جامعه می‌تواند رفاه و عدالت اجتماعی را به ارمغان خواهد آورد. همکاری و تعاون از دید اقتصادی، همان استفاده از آثار خارجی این نوع کوشش‌ها است. اقتصاد شراکتی نیز که نوعی تعاون و همکاری بین کارگر و کارفرماست، آثار خارجی مثبت ناشی از کار و تلاش کارگر را به صورت شراکت او در سود بنگاه، جبران می‌نماید.

۲. سیره پیامبر (ص)

روایات فراوانی کمک به تهیه وسایل کار برای انسان‌ها را توصیه کرده‌اند. تا آنجا که شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» این مسئله را از وظایف دولت اسلامی

آرایش غیربهینه‌ای نیز برتر نمی‌شمارد (Nath, 1976: 8-43). ضمناً وی شرایط تحقق بهینه پارتو را با حضور آثار خارجی به‌دست آورده است (Nath, 1976: 66-68 & 80-82).

40. Externality

41. Pareto

۴۲. نش با استدلالی محکم از قدرت بهینه پارتو کاسته است و نه تنها آن را وضعیتی منحصر به فرد نمی‌داند، بلکه آنرا ضرورتاً از هر نوع

۱-۳. کراهت اجاره: محدودیت در روزی

ابتدا به برخی روایات در این باره اشاره می شود و سپس نظر فقهای قدیم و معاصر بیان می گردد. مفضل بن عمر، از امام صادق (ع)، روایت می کند که فرمود: «هرکس خود را اجاره دهد، روزی را از خود بازداشته است.» و در روایت دیگری آمده است: «چگونه روزی را بر خود منع نمی کند و حال آن که آنچه را به دست می آورد، متعلق به کسی است که او را اجاره کرده است» (برجوردی، ۱۳۸۶: ج ۲۴: ۶۹). امام باقر (ع)، می فرماید: هرکس کار خود را اجاره دهد مانع رزق خود شده است، زیرا حاصل کار او از آن اجیرکننده است (الحر العاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۲: ۱۷۶؛ ج ۱۷: ۲۳۹-۲۳۸). عبدا... بن محمد جعفری گوید: امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: هرکس خود را اجیر سازد، روزی را بر خود تنگ نموده است، چگونه بر خود تنگ نکرده باشد، در حالی که آنچه به چنگ می آورد از آن دیگری است، همان که او را اجاره کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ج ۴: ۲۳۴). عمار ساباطی گوید: «به امام صادق (ع) گفتم: شخصی کسب و تجارت می کند و درآمدش اندک است، ولی اگر اجیر دیگران شود، بیشتر از درآمدش از راه تجارت به وی داده می شود. امام (ع) فرمود: خودش را اجیر نکند؛ بلکه از خداوند روزی طلب نماید و به کسب و تجارت پردازد؛ زیرا وقتی خود را اجیر می کند، روزی را بر خود می بندد (روزی را به همان مقدار که با مستأجر قرار بسته است، بر خویش محدود ساخته است).» (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ج ۴: ۲۳۳).

مرحوم شیخ طوسی (ره)، این منع را بر کراهت حمل کرده است، نه حرمت (برجوردی، ۱۳۸۶: ج ۲۴: ۶۹). برخی معتقدند که این منع در مورد کسانی است که خود را به مبلغ معینی اجاره می دهند و برای دیگران کار و فعالیت می کنند و عامل و نماینده دیگران هستند، در حالی که می توانند همان کار را مستقلاً برای خویش انجام دهند (نه کارگران کارخانجات و شرکت های صنعتی که تأسیس

می داند (صدر، ۱۴۰۸: ۶۶۲-۶۶۳). از جمله دلایل، این می تواند باشد که افراد تا حد امکان به جای اجیرشدن، خویشتن کار کنند. سیره پیامبر اکرم (ص) نشان دهنده زمینه سازی در این مورد است. احداث بازار و واگذاری بدون هزینه غرفه ها به فروشندگان، توصیه انصار و مهاجرین به مضاربه، مزارعه، مساقات و امثال آنها نمونه هایی از این سیره هستند. پیامبر اسلام (ص)، امور سیاسی را با برقراری اخوت، برادری و اجرای مشارکت بین مهاجرین و انصار آغاز نمود. شاید دلیل زمینه سازی ها و ترغیب ها این باشد که در این روش ها، عرضه کننده کار بهتر می تواند به حقوق خود دست یابد. زمانی که پیامبر (ص) و مهاجران به مدینه هجرت نمودند و مهاجران فاقد وسایل زندگی و امکانات اقتصادی بودند، پیامبر نه پیشنهاد انصار به هبه نیمی از باغ های خود به مهاجران را پذیرفت و نه نظام اجاره را برقرار نمود، بلکه قراردادهای مشارکتی را میان آنان برقرار ساخت (بخاری، ۱۳۱۵، ج ۵: ۳۹). از این طریق هم تعامل و تعاون اجتماعی را تقویت کرد و هم ارزش کارگر را برتر از زمین و سرمایه تلقی نمود و هم از استثمار کارگر جلوگیری به عمل آورد. پیامبر (ص)، پیش از رسالت، با سرمایه حضرت خدیجه (س)، به صورت مضاربه تجارت می کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۹؛ ج ۱۷: ۳۰۸). پیامبر اسلام (ص) تعاون بین مسلمانان را بنیاد جامعه اسلامی و رمز کار آن در همه امور می داند و از نظر کمک متقابل مسلمانان به هم، چون یک پیکر واحد می شمارد. این فرهنگ سازی پیامبر (ص)، سبب افزایش سرمایه اجتماعی تحول آفرین در جامعه اسلامی روزگار وی شد.

۳. روایات

قراردادهای اجاره، نوعاً از شرایط اضطراری که نظام اجتماعی و یا وضعیت فردی بر کارگر تحمیل می نماید، رها نیست. اسلام اجاره کار را تأکید نکرده، اما در مقابل به قرارداد مشارکتی توصیه می نماید.

آن برای هر شخصی میسر نیست و شخص نمی‌تواند خود مستقلاً به آن بپردازد و اینان نیز اجرت و ارزش کار فردی‌شان هر چه باشد می‌ستانند، پس منع شامل این‌ها نیست). منع شامل کسانی است که می‌توانند کاری را که برای دیگران انجام می‌دهند، برای خود انجام دهند و هر مقدار که بهره‌آور است از آن خود آن‌ها باشد، با این حال اجیر می‌شوند (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ج ۴: ۲۳۴). این سخن برای شرکت‌های بزرگ تا حدودی صحیح است، اما به هر صورت در این شرکت‌ها فرد وقتی خود را اجیر می‌نماید، روزی خود را در حدی خاص محدود می‌نماید. اگر کسی بتواند با خلاقیت خود، کاری مستقل داشته باشد، دیگر روزی را بر خود محدود نکرده‌است. در بین فقهای معاصر، برخی فقها هستند که عقد اجاره نیروی کار را مکروه می‌دانند^{۴۳}، اما در بین علمای قدیم، کراهت عقد اجاره بیشتر مطرح بوده‌است. حتی برخی کتب فقهی قدیم بایی را به کراهت اجاره اختصاص داده‌اند. اما به هر صورت با لحاظ جمیع نظرات فقهای قدیم و جدید، می‌توان بدون نظر به کراهت عقد اجاره، به اولویت یا اصالت عقود شراکتی قائل شد. به خصوص که در برخی روایات تأکید شده‌است که: «حاصل کار او از آن اجیرکننده است» که نشان می‌دهد به هر حال در قراردادهای اجاره رایج، دستمزد کارگر معمولاً کمتر از حق او می‌باشد. همین اندازه برای مقصود مورد نظر این پژوهش که اولویت عقد مشارکت است، کفایت دارد.

۳-۲. موارد عدم کراهت اجاره و دلایل عقد اجاره

در فرض پذیرش کراهت عقد اجاره، درباره عدم کراهت آن مواردی ذکر شده‌است که بیان می‌شود. محمد بن سنان گوید: «از امام موسی بن جعفر (ع) درباره اجیرشدن سؤال کردم. امام (ع) فرمود: در صورتی که با مردم با خوبی و سازش رفتار کنی و به

اندازه توان و قدرت برای آنان خیرخواهی کنی، اشکال ندارد. به تحقیق موسی بن عمران خودش را اجیر و شعیب با وی قرارداد بست و گفت: اگر خواستی هشت سال و اگر خواستی ده سال... (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۴: ۶۹). ملاحظه می‌شود که در این حالت، اجیر آزادی عمل کمتری نیز دارد و به فرموده امام (ع)، باید در حد توان و قدرت خیرخواهی نماید. با این حال در رفتار حضرت موسی (ع) و حضرت شعیب (ع) نکته‌ای که وجود دارد این است که شاید حضرت موسی (ع) اجیرشدن برای یک پیامبر بزرگ را غنیمتی بزرگ برای تعلیم یافته‌است که شاید تمام گنج‌های عالم با آن برابری نکند. ضمن این که بحث اصلی پژوهش درباره سرمایه‌گذاری و تولید است، نه این که فردی از مهارت خود برای کسب درآمد استفاده نماید.

در کتاب تفسیر نعمانی، از مولای متقیان علی (ع)، روایت می‌شود که درباره راه‌های معیشت مردم فرمود: «و دلیل اجاره، این سخن خداوند است که فرمود: ما در زندگی دنیا روزی‌هایشان را تقسیم کردیم و برخی را بر برخی دیگر درجاتی افزودیم تا یکدیگر را به کار گمارند و رحمت پروردگارت بهتر است از آنچه انباشته می‌کنند. پس خداوند به ما خبر داد که اجیرشدن یکی از راه‌های به دست آوردن روزی برای مردم است، زیرا خداوند بر اساس حکمت خویش میان همت‌ها و اراده‌ها و سایر روحيات مردم تفاوت گذاشت و آن را سامانبخش زندگی مردم قرارداد...» (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۴: ۷۱-۶۹). امام علی (ع)، در این روایت به اهمیت تخصص در کارها پرداخته‌است. اما به طور مستقیم به کراهت یا عدم کراهت اجیرشدن در کارهای تولیدی یا سرمایه‌گذاری نپرداخته‌است و به اصطلاح در مقام بیان نبوده‌است. منظور وی وقتی فرموده‌است: «... اجیرشدن

۴۳. استفتای شماره ۹۰/۴۴۲ دفتر حضرت آیت ا... العظمی گرامی

(به نقل از نویسنده مقاله).

یکی از راه های به دست آوردن روزی برای مردم است...» این است که شخصی تخصص و مهارت خویش را اجاره دهد و کارهای دیگران را انجام دهد. اجاره شدن برای کارهای خدماتی نه تنها مکروه نیست که خدمت به خلق خداست و از مقام بحث پژوهش خارج است. کلام در جایی است که در یک فعالیت سرمایه گذاری یا تجاری که سودآوری دارد، فردی خود را اجاره دهد، در حالی که می تواند خودش آن کار را انجام دهد و درآمد درخوری داشته باشد.

در کتاب عوالی اللثالی روایت می شود که: «امیرمؤمنان (ع) برای کشیدن آب، اجیر یک یهودی شده بود و در برابر کشیدن هر دلو آب، یک دانه خرما مزد می گرفت. حضرت، مدتی آب کشید و خرماها را جمع کرد، آن گاه آن ها را نزد پیامبر (ص) آورد و وی از آن ها خورد.» (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۴: ۷۱). اجیرشدن برای کارهای موقتی یا ضروری و یا برحسب مهارت، اشکالی ندارد. این موضوع از بحث سرمایه گذاری و شراکت خارج است. یعنی این روایت به کارهای خدماتی اشاره دارد، نه کارهای تولیدی و سرمایه گذاری. ضمن این که در روایتی دیگر که مشابه این روایت است، شرایط خاصی مطرح بوده است. این روایت چنین است: ابوجارود گوید: «از امام صادق (ع)، درباره تفسیر این آیه سؤال کردم: کسانی که از پرداخت کنندگان زکات با میل و رغبت عیب جویی می کنند... امام (ع) فرمود: امیرمؤمنان (ع)، خودش را برای کشیدن آب اجیرکرد و قرار گذاشت که در برابر کشیدن هر دلو آب یک دانه خرما - با انتخاب خودش - مزد بگیرد. علی (ع)، آن قدر آب کشید تا یک مد خرما جمع کرد. آن گاه آن ها را نزد پیامبر (ص) آورد. عبدالرحمان بن عوف که از کنار در مسجد شاهد این صحنه بود، علی (ع) را مسخره کرد. آن گاه این آیه تا جمله «برای آنان درخواست آموزش کن یا درخواست آموزش نکن ...» در این باره نازل شد (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۴: ۷۱). در روایتی دیگر، امام معصوم (ع) فرمود:

«پس جایز است انسان مرد یا زن یا حیوان یا برده یا کنیزی را برای انجام کار معینی اجیر کند.» (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۴: ۷۳). این روایت نیز به کارهای خدماتی اشاره دارد، نه کارهای تولیدی و سرمایه گذاری جهت کسب درآمد.

۳-۳. اهمیت عقود شراکتی و تاکیدات التزامی از سوی شارع

ویژگی های بازارکار در عصر حاضر، روابط کار را از روابط اجاره سابق متمایز می سازد. روابط کار در نظام سرمایه داری جدید یک پدیده جدید و به فرمایش استاد شهید آیت ا... مطهری، امری مستحدث و نیازمند بررسی عمیق و استنباط فتاوی جدید است (علیزاده، ۱۳۸۳: ۸۴). به نظر می رسد که طراحی عقود شراکتی برای روابط پیچیده دنیای مدرن، گره کور بسیاری از مشکلات را برطرف سازد.

به اصل همیاری و شراکت به عنوان یک موضوع عام، در اسلام اهمیت زیادی داده شده است. قرآن مجید، مؤمنان را برادر یکدیگر می داند (حجرات: ۱۰). «أخ» معنای برادر، به صورت استعاره به هر کسی که با دیگری در قبیله یا در دین یا در کار و صنعت یا معامله و دوستی و در مناسبات دیگر مشارکت داشته باشد، گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱: ۱۵۸). پیامبر اکرم (ص) فرمود: «دست خدا روی سر دو شریک است تا وقتی که به یکدیگر خیانت نکنند.» خداوند می فرماید: هرگاه دو نفر با هم شریک شوند، من سومی آن ها هستم مادام که به هم خیانت نکنند (متقی، ۱۴۰۵: ج ۴: ۲۰). امام صادق (ع) فرمود: مؤمن را بر مؤمن هفت حق از سوی خدای بزرگ واجب است و خدا درباره آنچه هر شخص در آن خصوص انجام داده است از او خواهد پرسید ... (از جمله) مواسات با مؤمن (یعنی مشارکت دادن او در مال خویش). (حکیمی، ۱۳۸۰: ۶۸۳). محمدبن عاذر از امام صادق (ع)، روایتی را نقل می نماید که به مضاربه تشویق

می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۶؛ ج ۹؛ ج ۱۷: ۳۰۸). با وجود اقتصاد شراکتی، برادری دینی نمود بیشتری خواهد داشت و کارگر و کارفرما با شراکت در سود بنگاه، به برادری اسلامی نزدیک خواهند شد.

۴- قواعد فقهی تایید کننده مشارکت

علاوه بر آیات شریفه قرآن و سیره نبوی و روایات، در قواعد فقهی نیز می‌توان استنتاج کرد که به شرح زیر مؤید اقتصاد شراکتی است:

۴-۱. قاعده عدالت و جلوگیری از استثمار

از جمله اصول اساسی حاکم بر جامعه اسلامی، فرض حاکمیت عدالت است. عدالت یک اصل اجتماعی بزرگ اسلام است تا آنجا که مهم‌ترین هدف اقتصاد اسلامی اجرای عدالت است. تعادل اجتماعی زمینه‌ساز شکوفایی استعدادهاست. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: قوام آسمان و زمین به عدل است (راغب اصفهانی: ۱۳۶۱: ۳۲۵). عدل اساس خلقت (انعام: ۱۱۶) و هدف ارسال رسولان و انزال کتب است. (حدید: ۲۵). به تعبیر آیت‌ا... مطهری، عدالت به صورت یک فلسفه اجتماعی مورد توجه حضرت امیر (ع) بوده و آن را ناموس اسلام تلقی کرده و از هر چیزی بالاتر می‌دانسته و سیاستش بر مبنای این اصل بنا شده بود (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۱). مهم‌ترین ویژگی که اقتصاد اسلامی و به تبع آن بازار نیروی کار باید داشته باشد، این است که باید عادلانه باشد. این تأکیدات شگرف، نشانه اهمیت غیرقابل جایگزین عدالت در اسلام است. روشن است اگر اقتصاد شراکتی جامعه را به عدالت نزدیک سازد، از سوی افراد و دولت باید زمینه تحقق آن فراهم شود.

۴-۲. عدالت در بازار کار

اسلام، کار را عبادت می‌داند، اما این امر به آن معنی نیست که کارگران نباید پاداشی دریافت دارند، بلکه بر

اساس اصل عدالت، باید نیروی کار به سهمی که استحقاق آن را دارد، برسد. چون کارگر در ایجاد ارزش کالا با صاحب سرمایه شراکت دارد، باید در سودی که خودش سبب آن بوده‌است، شریک باشد. انسان دارای قریحه‌ای است که می‌خواهد دیگران را استخدام و بهره‌کشی نماید، بدون آنکه حق آن‌ها را بپردازد (احزاب: ۷۲)؛ (معارج: ۱۹)، (ابراهیم: ۳۴)، (علق: ۶ و ۷). از این رو باید از تضييع حقوق همه افراد جامعه و از جمله کارگران جلوگیری شود. در آموزه‌های اسلامی، مزد ناعادلانه از گناهان کبیره‌است (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۲: ۵۰۸). کسی که مزد عادلانه نپردازد به اعتدال لطمه می‌زند و خدا و ملائکه و انبیا (ع) و پیامبر (ص) او را لعنت می‌کنند (الحر العاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۳: ۲۴۸). آنچه در تعیین مزد عادلانه نقش اصلی دارد، ارزش افزوده ناشی از کار است و افزایش عرضه کار نمی‌تواند مبنایی برای کاهش مزد به سطحی پایین‌تر از ارزش بهره‌وری او باشد^{۴۴}. این امر عنوان ظلم و سوء استفاده از شرایط بازار به خود می‌گیرد و ممنوع است. امکان دارد که مزد ناعادلانه، همان مزد کمتر از بهره‌وری کارگر باشد. این مزد باعث می‌شود که بازار کار و در نتیجه بازارها و نهادهای دیگر جامعه از تعادل خارج شود.

نوعاً کارگران به علت شرایط اضطراری حاکم بر زندگی و بازار کار به پذیرش شرایط کار و مزد تن می‌دهند. در این شرایط کارفرما از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار است و ممکن است از دایره انصاف بیرون رود. آیت‌ا... مطهری می‌فرماید: در حالت اضطرار یک طرف قرارداد، از طرف دیگر نمی‌تواند سوء استفاده نماید. در این صورت از سوی مضطر که کالا یا کار را

این امر باعث به‌کارگیری افزایش عرضه کار می‌شود و به طور طبیعی دستمزد پایین نخواهد آمد (Toutounchian, 2009).

۴۴. با اتخاذ قوانین بانکداری بدون ربا، حکومت اسلامی می‌تواند تا زمانی که عوامل تولید استفاده نشده وجود دارد، عرضه پول را زیاد کرده و از طریق بانک اسلامی آن را به سرمایه بالفعل تبدیل کند،

نشده است. مطابق سیستم سهم‌بری نیروی کار، در مواردی که بنگاه با کاهش سود مواجه شود، پرداختی به کارگر نیز کاهش خواهد یافت و در مواردی که سود بنگاه افزایش یابد، پرداختی کارگر نیز افزایش می‌یابد.

ب- لزوم تعیین معیارهای متفاوت برای پاداش عوامل تولید (کارگر، سرمایه و ...)

درک و پذیرش این حقیقت که نیروی کار انسانی پدیدآورنده اصلی و بنیادی همه ارزش‌های تولیدشده در جوامع انسانی است، نمی‌توان تنها به یک تن و به بررسی شیوه تولید معینی نسبت داد. پایه ارزش بودن کار انسان‌ها، پیشینه تاریخی دارد و متفکران بزرگی، آن را در آثار خود یادآور شده‌اند. عبدالرحمن بن خلدون (م ۱۴۰۶-۱۳۳۲)، جامعه‌شناس بزرگ شرق، نزدیک به چهارصد سال قبل از آدام اسمیت و نزدیک به پانصد سال پیش از کارل مارکس، به بنیادی بودن نیروی کار انسان در ایجاد ارزش پی برده است. وی در «مقدمه» می‌نویسد: باید در هرگونه محصول و ثروتی نیروی کار انسانی مصرف شود، زیرا روشن است که کار انسانی در ایجاد صنایع ضرورت دارد... بیشتر سودهای به دست آمده عبارت از ارزش کارهای انسانی است (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۷۵۶-۷۵۵). از سوی دیگر، در مقابل کار، پول سرمایه بالقوه است که با عوامل تولید به صورت مشروع و قانونی ترکیب می‌شود و به سرمایه بالفعل تبدیل می‌شود، در اقتصاد اسلامی، سرمایه بالفعل سود ایجاد می‌کند و سرمایه بالقوه سودی ندارد (توتونچیان، ۱۳۷۹). با توجه به آثار خارجی که از استفاده کارگران ناشی می‌شود، قاعده عدالت اقتضا دارد که نیروی کار به میزانی که در ایجاد سود نقش دارد، در سود حاصله سهم باشد. کار و سرمایه باید معیارهای متفاوتی برای ارزیابی دارا باشند. زیرا، اتخاذ معیاری واحد برای کارگر و سرمایه می‌تواند موجب شکاف طبقاتی گردد. توزیع مزد میان کارگر و سرمایه نباید به انباشت ثروت منجر شود، زیرا تمرکز ثروت به علت برهم‌زدن تعادل روحی و اجتماعی، ذلت و خواری می‌آورد (آمدی، ۱۳۳۷).

خرید و فروش می‌نماید، عمل جایز و از سوی طرف مقابل عمل نامشروعی انجام شده است. گاهی مضطر نمی‌داند که در قرارداد به او ستم شده و آن را نقصانی بیش نمی‌پندارد، اما به حکم این که اسلام حقوق فطری همه افراد جامعه را محترم می‌شمارد و از آن پاسداری می‌کند و عدالت را واجب و ظلم و استثمار را حرام می‌شمارد، خسارت حاصله باید جبران گردد (مطهری، ۱۴۰۳: ۳۸۳). همچنین اگر عدل و توازن و وحدت اجتماعی ضروری است، تمامی شرایط از جمله توزیع عادلانه ثروت و درآمد که مقدمه آن است، ضروری می‌باشد، از این رو اقتصاد شراکتی به عنوان یکی از مقدمات تحقق عدالت اولویت و ضرورت دارد. البته در چگونگی قراردادها باید توجه داشت که اصل اولیه بر آزادی قرارداد است و تنها شرایطی باید فراهم آید که جامعه به یک منطق عادلانه دست یابد. مهم آن است که شناخت عدل به جامعه تزریق گردد و باورهای ارزشی به او شناسانده شود تا خود به خود عدل را محقق سازد. به نظر می‌رسد سهم‌سازی کارگر در سهمی از سود، با توجه به شریک‌نمودن او در سودی که از افزایش بهره‌وری خودش به دست آمده است، به تحقق عدالت در بازار کار کمک می‌نماید. برای تحقق قاعده عدالت در بازار کار رعایت سه اصل زیر ضروری است که در اقتصاد شراکتی به صورت بهتری تأمین می‌شوند.

الف- لزوم رعایت وحدت، تعادل و توازن اجتماعی در توزیع درآمد

جامعه انسانی یک کل حقیقی است و آنچه هویت آن را قوام می‌دهد وحدت اجزای آن و توازن و تعادل میان آن‌هاست. در جامعه انسانی، نظریه فلسفی «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» حاکم است و انسان‌ها در عین استقلال، تعامل روحی دارند. همبستگی توابع مطلوبیت و لزوم تعادل، با فاصله زیاد درآمدی نیز سازگار نیست. در اسلام، توزیع غیرعادلانه پذیرفته

ج ۱: ۸). مایه اندوه و گرفتاری است (همان: ۱). و حضرت امیر (ع) در نامه به مالک اشتر آن را موجب هلاکت می‌شمارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ و قرآن آن را مایه طغیان می‌داند (شوری: ۲۶) و اجازه نمی‌دهد که ثروت میان ثروتمندان دست به دست گردد (حشر: ۱۷). مالکیت و تلاش افراطی، انسان را از آخرت باز می‌دارد و به هلاک می‌کشاند (ابن شعبه، ۱۳۶۹: ۱۵۵). اقتضای گردش مال در جامعه، تدوین قواعد مالکیت و توزیع درآمد میان کار و سرمایه بر اساس وحدت،

مطابق جدول (۱)، می‌توان سهم عوامل تولید را در دو سیستم اسلامی و سرمایه‌داری مقایسه نمود. با این فرض که بنگاه به عنوان یک شرکت سهامی عام در بورس اوراق بهادار فعال باشد. ابزار تولید در مالکیت صاحبان سهام بوده و مدیر استخدام می‌شود؛ یعنی، سرمایه‌دار یا صاحبان سهام یا صاحبان ابزار تولید همگی مترادف هم به کار گرفته شده‌اند. همچنین فقط ابزار تولید و ماشین‌آلات نیست که در مالکیت صاحبان سهام است، بلکه همه دارایی‌های شرکت از جمله زمین، ساختمان، کارگاه، انبار مواد اولیه و ... در مالکیت صاحبان سهام است. وضعیت به صورتی

است که شرکت قبل از شروع کار مدیر توسط صاحبان سهام تشکیل شده‌است، سپس مدیر را برای اداره امور مختلف شرکت استخدام می‌کنند. به سهامداران سود تعلق می‌گیرد و به مدیران و سایر کارگران می‌تواند کمینه دستمزد به اضافه سهمی از سود تعلق بگیرد. این حالت انعطاف بیشتری دارد. زیرا، قابل تعمیم به عقد مضاربه نیز هست، زیرا در این عقد عامل (مضارب) و صاحب سرمایه، سود را براساس توافق کتبی بین خود تقسیم می‌نمایند و همه زیان به عهده صاحب سرمایه است.^{۴۵} (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۵۵-۴۹).

ملاحظه می‌شود که در اسلام نیروی کار حق انتخاب بیشتری در مقایسه با عوامل تولید دارد.^{۴۶} زیرا در اقتصاد اسلامی ابزار تولید خادم و انسان مخدوم است. یعنی

جدول ۱. سهم عوامل تولید در مکاتب اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری

عامل تولید	سیستم اسلامی	سیستم سرمایه‌داری	سیستم سرمایه‌داری در عمل
کارگر	دستمزد + سهمی از سود	دستمزد	دستمزد
سرمایه	سود (یا زیان احتمالی)	بهره (ریا)	بهره + بقیه سود و زیان احتمالی
مدیریت	دستمزد + سهمی از سود	سود	دستمزد + سهمی از سود
زمین	اجاره	اجاره	اجاره

تعداد و توازن جامعه است. با استناد به منابع فقهی آیات و روایت می‌توان به محدود ساختن مالکیت‌های بزرگ و اولویت اقتصاد شراکتی برای کمک به تعادل در مالکیت توصیه نمود، چرا که اقتصاد شراکتی با توزیع سود بین کارگر و سرمایه، از تراکم ثروت می‌کاهد.

(این حالات در شرکت‌های سهامی و بنگاه‌های بزرگ امروزی کمتر اتفاق می‌افتد). (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۲).

۴۶. نیروی انسانی یا می‌تواند اجیر شده و فقط دستمزد دریافت کند، یا می‌تواند فقط در سود شریک شده و یا این که ترکیبی از این دو را انتخاب کند. بر اساس موازین و دستورات دین اسلام، کارگر (به‌خصوص متخصصین) می‌توانند از یک کمینه دستمزد و نیز سهمی از سود استفاده نمایند. در نقطه مقابل، با عدم قبول بازار پولی، برای بهره به عنوان سهم عوامل تولید جایگاهی در اسلام وجود ندارد.

۴۵. می‌توان حالات دیگری را در نظر گرفت: الف. در حالتی که مالک و مدیر یک فرد باشد، مانند واحدهای کوچک تولیدی (کارگاه‌ها) و فروشگاه‌های کوچک مانند بقالی و لبنیات فروشی. ب. وضعیتی که مدیر، ابزار تولید را اجاره کرده‌است، مانند تاکسی‌ها یا ماشین‌های کرایه‌ای هستند که صاحب اتومبیل، فرد دیگری غیر از راننده است و درواقع، به صاحب سرمایه، اجاره پرداخت می‌شود (صدر، ۱۳۵۷: ۲۱۲-۲۰۱). ج. وضعیتی که شرکت دایری وجود داشته باشد و صاحب ابزار تولیدی، این ابزار را به صاحب یا مدیر شرکت دایر داده و درخواست سهام‌شدن در سود را داشته باشد

این حالت، کار جمعی با پیدایش رفتارهای سیستمی که خیلی قدرتمندتر از مجموع توانایی های افراد هستند، هماهنگی به وجود می آورند. در بازار به جای روحیه رقابت سرسختانه، روحیه همکاری داوطلبانه ایجاد می شود. با این حال رقابتی جذاب و عادلانه در بازار وجود دارد. اقتصاد شراکتی ابزار مناسبی برای ایجاد بازاری با روحیه همکاری در عین رقابت به شمار می آید، چرا که اهداف مشترک برای کارگر و کارفرما ایجاد می کند و به یک بازی برد- برد بین آنها می انجامد.

۴-۴. قاعده حاکمیت دولت اسلامی

قوانین توزیعی اسلام در راستای اصلاح بازار سرمایه مالی، تعدیل بازار سرمایه فیزیکی و تقویت بازار سرمایه انسانی است. اسلام با تحریم ربا و... به اصلاح بازار سرمایه نقدی (پولی) پرداخته است. و جهت تقویت بازار سرمایه انسانی، بر گسترش روابط حقوقی کار و دستمزد عادلانه تأکید دارد. ماهیت تشریع بسیاری از احکام اسلامی مثل تحریم اسراف، منع کتز و احکام ارث، در جهت هماهنگی بازارهای سرمایه ای فوق و ارتقای نقش نیروی انسانی و ایجاد توازن است (آرمان مهر، ۱۳۹۰: ۲۴۷-۲۴۶). دولت به عنوان ناظر، بر روابط کار و تعیین مزد و حمایت از کار نظارت می نماید. دولت اسلامی وظیفه هدایت بازارها به سوی اعتدال را بر عهده دارد. هر جا بازار از حالت طبیعی خارج شود دولت دخالت می کند. از وظایف دولت جلوگیری از استثمار نیروی کار است (الحرالعالمی، ۱۴۰۳: ج ۱۳: ۲۱۶). تعیین کمینه دستمزد در موارد مورد نیاز، تأمین بیکاران تا زمان اشتغال، تأمین تخصص های مورد نیاز و سیاست گذاری برای افزایش انگیزه تولید از دیگر وظایف دولت اسلامی است (صدر، ۱۳۵۷: ۱۰۸). با توجه به آثار اقتصادی فراوان نظام شراکتی، دولت باید برای استقرار این نظام

همه فعالیت های یک جامعه اسلامی باید در خدمت انسان قرارگیرد و به نعمت های بیکران الهی به عنوان یک وسیله نگاه شود، نه به عنوان هدف؛ زیرا که هدف مسلمان فقط کسب رضای خداوند می باشد.

پ- لزوم افزایش بهره وری کارگر برای افزایش مزد

زمانی که تلاش و پاداش، به هم وابسته شوند، انگیزه تلاش بیشتر می شود. خداوند متعال برای این که بشر را به تلاش بیشتر و بهتر ترغیب نماید، پاداش را به عمل مرتبط می سازد. (آل عمران: ۱۹۵)، (نجم: ۳۹ و ۴۰)، (زلزله: ۷). (انعام: ۱۶۰). از آیات و روایات می توان اصل وجوب افزایش دائمی بهره وری را استنباط نمود. این اصل اقتضا می کند در صورت وفور کارگر غیرماهر، دولت اسلامی درصدی از کارگران را آموزش دهد. در این صورت به تدریج با کاهش عرضه کارگر غیرماهر از یک سو و افزایش بهره وری از دیگر سو، دستمزد او افزایش می یابد. همچنین با افزایش عرضه کارآفرین های خلاق و کارگران متخصص، مزدهای بالای صاحبان تخصص کاهش می یابد. اسلام بر نظام اجاره کار تأکید ندارد؛ زیرا، در این نظام علاوه بر این که غالباً مزد عادلانه پرداخت نمی شود و زمینه استثمار باز است، بهره وری نیروی کار را افزایش نمی دهد. و برعکس اقتصاد شراکتی به صورت دست نامرئی در افزایش بهره وری عمل می نماید.

۴-۳. ویژگی های بازار کار و حجیت بازار اسلامی

در برخی از شرایط اجتماعی، مردم بر خلاف میل مادی خود رفتار می کنند، نه به خاطر محاسبه کوتاه نظرانه مزایا و هزینه ها، چراکه آنها هنجار رفتار خوب را درونی نموده اند. این افراد در طیف بزرگ تری از موفقیت ها همکاری می نمایند. افرادی که بیشتر از این هنجار پیروی می کنند، در پی گسترش دامنه همکاری هستند (تبلینی^{۴۷}: ۲۰۰۸: ۴-۲). در اقتصاد اسلامی، لزوماً مردم و بنگاه ها برای پیشینه سازی سود عمل نمی کنند. در

تلاش نماید، چرا که اعتدال بخش بازار کار، مانع استثمار کارگران، اشتغال‌زا و انگیزه‌بخش است.

۴-۵. لزوم روحیه رقابت بین کارفرمایان و بین کارگران

مفروضات بازار کار کلاسیک (تعداد زیاد کارگر و کارفرما، عدم مداخله دولت، ورود و خروج آزاد، مهارت یکسان، اطلاعات کامل و...) از واقعیت، فاصله بسیار دارد. کارگران فرصت‌های مساوی برای اشتغال و فراگیری آموزش‌های پیش نیاز مشاغل را ندارند. مشاغل نیز ذاتاً متفاوت‌اند. همه این‌ها می‌تواند موجب تفاوت مزد شود. به طور کلی، نوعی تناقض در بازارکار به نظر می‌رسد. زیرا از یک طرف، نیروی کار از بالاترین قابلیت جانشینی برخوردار است؛ نیروی کار از همگونی بیشتری در مقایسه با سرمایه یا محصولات تولیدی برخوردار است؛ بر این اساس به نظر می‌رسد رقابت باید در بازار کار حاکم باشد. از سوی دیگر، بازارکار مملو از ویژگی‌ها و محدودیت‌های اجتماعی، روانی و تاریخی است. بازاری با اتحادیه‌های کارگری، قراردادهای دسته‌جمعی، درجات سختی کار، قابلیت تحرک ناقص و هزینه معامله کمتر یافت می‌شوند که مانع تشریح کلی اوضاع اقتصادی می‌گردند. قابلیت بلندمدت نیروی کار برای جایگزینی، نظریه رقابت را معیار خوبی در توصیف گرایش‌های بلندمدت، قرار می‌دهد. همچنین اگر غرض مطالعه ساز و کار تعیین دستمزد در سطح کلی جامعه باشد، نظریه رقابت به طور قابل قبول برخی گرایش‌های مهم بازارکار را بیان می‌دارد (مارشال^۱، ۱۹۷۹). هیکس^۲ (۱۹۶۴)، در مقدمه کتابش می‌گوید: «تصویر کلی یک واحد تولیدی، نشان می‌دهد که در مورد مواد اولیه تولید، این واحد تابع قیمت بازار است، ولی در مورد محصول ساخته شده، خود قیمت را تعیین می‌کند». اما در دین اسلام، پیش‌گام شدن در امور خیر یک اصل است (بقرة: ۱۴۸)، (آل عمران: ۱۳۳). رقابت موجب

شکوفایی استعداد، خلاقیت، ابداع و ظهور فرصت‌های جدید است. آزادی اصلی همگانی است. (اعراف: ۱۵۷). نمی‌توان آزادی در رقابت را از کارگران سلب نمود. به طور کلی، بازار کار اسلامی را می‌توان تا حدی رقابت‌آمیز قلمداد کرد؛ زیرا، در مذاکرات تعیین دستمزد، هر دو طرف به تقریب، نیروی مساوی دارند. ضمن این که عقود شراکتی، حس رقابت بین کارگران برای تولید و سود بیشتر و رقابت بین کارفرمایان برای جذب کارگران را به همراه دارد.

۴-۶. قاعده نفی حرج، عسر و ضرر (قاعده لاضرر)

خداوند نمی‌خواهد کسی را در حرج و سختی قرار دهد، بلکه بر همگان آسانی می‌خواهد (بقرة: ۱۸۵). نهادهای نظام اعتدالی اسلام (از جمله روابط کار و نظام پرداخت مزد) فاقد سختی می‌باشد. شرع مقدس، عسر و حرجی را نفی می‌کند که در محدوده طاقت بشر است، ولی عادتاً تحمل آن سخت و موجب قرارگرفتن در تنگنا و مضیقه است (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۷۰). طبق این قاعده، روابط کار و نظام پرداخت باید به سمت آسودگی و رضایت سوق یابد. همچنین قاعده لاضرر که از جمله مصادیق توجه اسلام به آثار جانبی است، سابقه‌ای ۱۴۰۰ ساله دارد. رسول اکرم (ص)، میان اهل مدینه در آب‌شخورهای درختان خرم، بعد از بیان احکام لازم فرمودند: ضرردیدن و ضررزدن جایز نیست (الحرالعاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۷، ۴۳۱).^۳ قوانینی که موجب ضرر بر فرد یا جامعه است، منتفی است و هر ضرری محکوم به وجوب جبران و ضمان است. البته قانون در درجه اول، به دفع ضرر اجتماعی می‌پردازد. اگر روابط کار مانع شکوفایی استعدادها، کارگران و ارتقای آنان در جهت ارتقای کشور باشد، محتمل است در قاعده لاضرر داخل شود. نفع حاصل از شکوفایی استعدادها، کارگران و

۳. لاضرر و لاضرار.

1. Marshall
2. Hicks

می‌نماید و با منافع سرشار اجتماعی همراه است، می‌تواند گره‌گشای خوبی باشد.

۵- موارد مشوق کارگران جهت انعقاد قراردادهای شراکتی

الف- نقض پدیده ثبات مالکیت در عقود شراکتی: برطبق نظریه ثبات مالکیت، پس از آنکه منابع طبیعی بر اساس کار و بهره‌وری به مالکیت خصوصی درآمد، تغییر شکل، آن را از مالکیت مالک خارج نمی‌سازد. یعنی وقتی کسی مالک ماده اولیه شد، هر قدر باکار بعدی تغییر شکل یابد، همچنان در ملکیت مالک باقی می‌ماند و کارگر یا ماشین آلات تنها مستحق اجرت هستند، هرچند در ایجاد محصول جدید دخالت داشته باشند. مبنای این نظریه فرضیه تعلق‌نما به اصل است. منابع طبیعی نیز به منزله اصل و محصول به منزله نمو آن است. اصل ثبات مالکیت تنها در قراردادهای مشارکتی (مانند مضاربه، مزارعه و مساقات)، میان کارگر و مالک منابع طبیعی استثنا می‌پذیرد. وقتی کارگر بر روی زمین، باغ یا سرمایه فردی دیگر کار می‌کند، طبق اصل ثبات مالکیت، محصول و سود از آن مالک بوده و کارگر مستحق اجرت است، ولی در اینجا قاعده ثبات مالکیت استثنا می‌پذیرد؛ یعنی، کارگر می‌تواند در محصول و سود شریک گردد. این استثنا شامل ابزار تولید نمی‌گردد؛ یعنی، در ایجاد محصول، اگر کسی ابزار تولید خود را در اختیار مالک منابع طبیعی بگذارد، تنها مستحق اجرت می‌گردد و سهمی از محصول ندارد. خلاصه این که اگر کارگر با سرمایه و ماشین آلات دیگران، انفال را احیا کند، می‌تواند آن را مالک شود و کارگر از طریق انعقاد قراردادهای مشارکت با مالک می‌تواند بخشی از محصول را مالک شود. بنابراین دولت برای جلوگیری از انحصار در کارخانه‌های صنعتی می‌تواند منابع طبیعی را بدون این که به صاحب بنگاه بفروشد، در اختیار او بگذارد و محصول را مالک شود. البته در تولیدات صنعتی، کارگر می‌تواند با مالک منابع طبیعی (دولت یا غیر آن) قرارداد مشارکت انعقاد نماید و در محصول سهم گیرد، اما

ارتقای علمی و فنی آنان بسیار مغتنم است و احتمال دارد که بازداشتن از این نفع در قاعده «لاضرر» داخل شود. شیوه‌های پرداخت مزد اگر به ضرر فردی و اجتماعی بزرگ منجر شود و با ایجاد فاصله طبقاتی، به وحدت جامعه ضرر رساند، باید سیاست‌های جدیدی تدوین نمود. به هر حال با توجه به محاسن زیادی که اقتصاد شراکتی دارد، این امکان دارد که از بسیاری زیان‌های فردی و اجتماعی جلوگیری نماید.

۴-۷. قاعده نفی اسراف، تبذیر و اتلاف

اسراف در کارکردن زمانی رخ می‌دهد که کار شدید، مانع پرداختن کارگر به امور معنوی، آموزشی، خانوادگی و ... باشد. تضييع زمان، مواد اولیه و سرمایه که ناشی از فقدان آموزش و مهارت کارگر است، اسراف است. تبذیر شامل هر فعالیتی است که برای فرد و جامعه منفعت نداشته باشد. تبذیرکنندگان برادران شیطان‌اند (اسراء: ۲۷). فعالیت‌های انسانی دارای بیش‌ترین منفعت است که با افزایش رفاه اجتماعی همراه باشد، به‌گونه‌ای که تعادل و توازن و وحدت را در جامعه ایجاد کند، در غیر این صورت تلاش‌های به عمل آمده، پاشیدن بذر در بیابان و تبذیر است. بر طبق قاعده اتلاف، هر کس مال دیگری اعم از عین یا منفعت را از بین ببرد، ضامن است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ج ۲: ۱۹۳). اگر کارگر با کوتاهی در فن‌آموزی به منافع بنگاه آسیب رساند، ضامن خواهد بود. کارفرما نیز اگر مانع ارتقای بهره‌وری کارگر و سرمایه و در نتیجه کاهش مزد یا سهم کارگر شود، ضامن است. عدم استفاده کامل از استعدادها و ظرفیت‌های نیروی کار اتلاف بالایی است، به خصوص اگر باعث رکود ظرفیت‌های دیگر جامعه گردد. همچنین باید توجه داشت که کم‌کاری و هدر دادن نیروی کار حرام است. از آنجا که نظام تسهیم سود با شراکت کارگر در سود، او را به حفاظت از منافع بنگاه ترغیب می‌نماید و از سوی دیگر کارفرما نیز به فکر استفاده بهینه از ظرفیت‌های کارگر است، از تضييع یا اتلاف عوامل تولید جلوگیری

مالک ماشین نمی‌تواند از طریق عقد مشارکت با مالک منابع طبیعی در محصول شریک شود (صدر، ۱۳۵۷: ۲۱۹). این نکته‌ای است که می‌تواند در تشویق کارگران برای انعقاد قراردادهای شراکتی به کار آید. در ضمن، کارفرمایی که بخشی از منافع کارگاه را به نیروی انسانی می‌دهد، چیزی از دست نمی‌دهد و از فواید آن از جمله تولید و سود بیشتر برخوردار خواهد شد.

ب- عدم تضمین سود و عدم شراکت کارگر در زیان: کارگر نه سود را تضمین می‌کند و نه در زیان شریک می‌شود. این امر برای تشویق کارگران به عقود مشارکتی و احترام به کار است. به مقتضای آیه ۹۱ سوره مبارکه توبه، اگر کارگر در ضمن احسان خویش آسیبی وارد نماید، ضامن خسارت نیست، مگر آنکه عمل وی از روی سفاهت باشد (رضایی، ۱۳۷۷: ۹۲).

پ- چگونگی تعیین مالیات بر قراردادهای شراکتی: زکات زمانی به قراردادهای مشارکتی تعلق می‌گیرد که سهم هر شریک به حد نصاب برسد، نه این که مجموع محصول به نصاب برسد (حلی، ۱۳۵۸: ج ۱: ۵۸). این امر الگویی برای وضع مالیات بر محصولات ناشی از کار جمعی است. بر اساس این الگو، مالیات نه بر کل محصول، بلکه بر سهم هر شریک، پس از آن که به مقدار خاصی می‌رسد، وضع می‌گردد. این امر دایره عمل و انعطاف این عقود را به نفع کارفرما و کارگران به عنوان شریکان در سود شرکت، در شرایط گوناگون افزایش می‌دهد.

۶. بحث و نتیجه گیری

مهم‌ترین مبانی فقهی اقتصاد شراکتی را باید در آیات شریفه قرآن، سیره پیامبر (ص)، روایات و قواعد فقهی جستجو نمود. تاریخ گواه است که پیامبر اسلام (ص) کوشید تا مبانی فکری و اخلاقی روحیه مشارکت را بین مسلمانان ایجاد کند؛ پیوند برادری ایمانی و دینی بین آن‌ها را ترویج کرد و آن‌ها را به مشارکت در تقوا و نیکوکاری دعوت نمود.

روایات زیادی اجاره کار را تأکید نکرده، اما در مقابل به قرارداد مشارکتی توصیه می‌نماید. این روایات عقد اجاره را سبب محدودیت روزی معرفی می‌نماید. اگر کسی بتواند با خلاقیت خود، کاری مستقل داشته باشد و یا در سود بنگاهی که کار می‌کند شریک باشد، دیگر روزی را بر خود محدود نکرده‌است. در بین فقه‌های معاصر، برخی فقها هستند که عقد اجاره نیروی کار را مکروه می‌دانند. اما در بین علمای قدیم کراهت عقد اجاره بیشتر مطرح بوده‌است. حتی برخی کتب فقهی قدیم بخشی را به کراهت اجاره اختصاص داده‌اند؛ شیخ طوسی، معتقد به کراهت عقد اجاره بوده‌است. اما به هر صورت با لحاظ جمیع نظرات فقها، می‌توان بدون نظر به کراهت عقد اجاره، به اولویت یا اصالت عقود شراکتی قائل شد. از قواعد فقهی تأییدکننده اقتصاد شراکتی می‌توان به قاعده عدالت اشاره داشت. عدالت یک اصل اجتماعی بزرگ اسلام است تا آنجا که مهم‌ترین هدف اقتصاد اسلامی اجرای عدالت است. سهم‌سازی کارگر در سهمی از سود، به تحقق عدالت در بازار کار کمک می‌نماید. با توجه به آثار خارجی که از استفاده کارگران ناشی می‌شود، قاعده عدالت اقتضا دارد که نیروی کار به میزانی که در ایجاد سود نقش دارد، در سود حاصله سهمی باشند. اقتصاد شراکتی به صورت دست نامرئی واقعی در افزایش بهره‌وری عمل می‌نماید؛ و پرداخت نیز بر اساس بهره‌وری است که به عدالت نزدیک‌تر می‌باشد.

از دیگر قواعد فقهی که اقتصاد شراکتی را مورد تأیید قرار می‌دهد، ویژگی بازار کار اسلامی از نظر وجود روحیه همکاری در عین رقابت است. چرا که عقود شراکتی در کنار ایجاد حس همیاری و همکاری، حس رقابت بین کارگران برای تولید و سود بیشتر و رقابت بین کارفرمایان برای جذب کارگران را به همراه دارد. با توجه به محاسن زیادی که اقتصاد شراکتی دارد، این امکان وجود دارد که از بسیاری زیان‌های فردی و اجتماعی جلوگیری نماید، در این حالت طبق قاعده لاضرر، از اقتصاد شراکتی باید استفاده برد.

الحر العاملی، محمدبن الحسن (۱۴۰۳ ق). «وسائل الشیعه». تهران: المکتبه الاسلامیه.

حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۷۷). «الحیاء». جلد ۵، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

----- (۱۳۸۰). «الحیاء». جلد ۶، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حلی (محقق). (۱۳۵۸). «شرایع الاسلام». ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دادگر، ید... (۱۳۸۳). «تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (آزمونی مجدد)». قم: انتشارات دانشگاه مفید. دادگر، ید...؛ توتونچیان، ایرج و آرمان مهر، محمدرضا (۱۳۹۲). «تعادل بازار کار در الگوی شراکت کارگران در سود (با تاکید بر رویکرد اسلامی)». فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱-۱۴.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۱). «ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن». ترجمه خسروی حسینی، غلامرضا. نشر مرتضوی.

رستمی، محمدزمان (۱۳۸۴). «بررسی نظری تئوری های مزد- بهره‌وری نیروی انسانی از منظر اسلام»، پایان نامه مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

رضایی، مجید (۱۳۷۷). «عرضه نیروی کار بر مبنای اصول حاکم بر بازار کار اسلامی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید.

صدر، محمد باقر (۱۳۵۷). «اقتصادما». جلد ۲، ترجمه اسپهبدی، عبدالعلی. قم: انتشارات اسلامی.

صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ ق). «اقتصادنا». بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۵۰ ق). «المیزان». تهران: دارالکتب الاسلامیه.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ ق). «القواعد الفقهیه». قم. قرآن مجید

برخی احکام فقهی، کارگران را به انعقاد قراردادهای شراکتی ترغیب می‌سازد. مواردی مانند: نقض پدیده ثابت مالکیت در عقود شراکتی؛ عدم تضمین سود از سوی کارگر و عدم شراکت کارگر در زیان؛ تعیین مالیات بر قراردادهای شراکتی برای سهم هر یک از شرکا به صورت جدا.

منابع

ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۷). «من لا یحضره الفقیه». ترجمه غفاری، محمد جواد؛ غفاری، علی اکبر و بلاغی، صدر الدین. نشر صدوق، چاپ دوم. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۹). «تحف العقول». قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹). «مقدمه». ترجمه پروین گنابادی، محمد. مجموعه ایران شناسی، جلد دوم، شماره ۷۱۷. تهران.

آرمان مهر، محمدرضا (۱۳۹۰). «رالز- حکیمی (بررسی تطبیقی و نقد معیارها و ابعاد عدالت اقتصادی در اندیشه جان رالز و محمدرضا حکیمی)». قم: دلیل ما. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۷). غرر الحکم، تهران: انتشارات انصاری.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۱۵ ق). «صحیح البخاری». بیروت: دارالطباعة العامره.

بخشایش، نازلی (۱۳۸۲). «بررسی مقایسه‌ای عدالت اقتصادی در مکاتب مختلف و اسلام». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

بروجردی، حسین (۱۳۶۸). «منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)». ترجمه اسماعیل تبار، احمد؛ حسینی، احمدرضا و مهوری، محمد حسین. انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.

توتونچیان، ایرج (۱۳۸۱). «تعاون از دیدگاه اسلام و مبانی نظری آن». مجله تعاون، شماره ۱۳۷، ۱۳-۱۷.

----- (۱۳۷۹). «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری». تهران: انتشارات توانگران.

- متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۵ ق). «کنز العمال». مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). «بحارالانوار». بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴). «قواعد فقهیه». بخش مدنی، جلد ۲. تهران: سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). «بیس‌ت گفتار». تهران: انتشارات صدرا.
- Nath, S.K. (1979). "A Reappraisal of Welfare Economics". Newjersey: Augustus M. Kelley Publishers.
- Ricardo, D. (1951). "On the Principles of Political Economy and Taxation, Edited by Sraffa, P. Indianapolis: Liberty fund". E-File: Tabellini, G. (2008). "The Scope of Cooperation: Values and Incentives". *The Quarterly Journal of Economics*, 123(3), 905-950.
- Toutounchian, I. (1998). "The Labour's Income Share In An Islamic Fromework". *Humanomics*, 14(4), 66-137.
- (2009). "Islamic Money and Banking, Integrating Money in Capital Theory". John Wiley & Sons(Asia) Pte.Ltd.
- Weitzman, M. L. (1984). "The Share Economy (Conquering Stagflation)". Cambridge: Harvard University Press.
- (۱۴۰۳ ق). «بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی». تهران: انتشارات حکمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ق). «القواعد الفقهیه». قم: مدرسه امیر المومنین .
- نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). «مستدرک الوسائل». مؤسسه آل البيت.
- نهج البلاغه (۱۳۵۱). ترجمه و شرح خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین (ع) به قلم فیض الاسلام، تهران.
- Aggarwal, R. & Yousef, T. (1996). "Islamic Banks and Investment Financing". Harvard University.
- Haque, N. & Mirakhor, A. (1987). "Optimal Profit Sharing Contracts and Investment in an Interest – Free Economy, in Mohsin" S. Khan & Abbas Mirakhor (eds), *Theoretical Studies in Islamic Banking and Finance*. North Haledon, NJ: Islamic Publications International.
- Hicks, J. R. (1964). "The theory of wages, 2nd ed". London: Macmillan.
- <http://ricardo.ecn.wfu.edu/~cottrell/ecn265/Principles.pdf>
- Marshall, R. (1979). "Implication of labor market theory for employment policy". Swanson and Michelson, eds, manpower research and labor economic. Beverly Hills: Sage publications.